

زبان های مادری در ایران



مهدی دارخال*

مقدمه

یک جامعه و یا کشور زمانی می تواند پیشرفت داشته باشد که از میراث خود به نحو عالی بهره ببرد. شاید بتوان گفت مهم ترین میراث هر جامعه زبان آن است. زبان به پیدایش یک تمدن و جامعه کمک می کند و هویت آن جامعه و تمدن نیز به حساب می آید. تمدنی جاویدتر و عالم گیرتر است که زبان آن خوب شناخته و شناسانده شده و بتواند در سایر فرهنگ ها نفوذ کند. انسان هنگامی که پا به عرصه حیات می گذارد، قادر به سخن گفتن نیست، ولی بعد از چند سال، با زبان مادر و خویشاوندان آشنا شده و با ذخیره ی واژگان آن زبان که به «زبان مادری» نیز مشهور است، قادر به سخن گفتن می شود. قبل از آشنایی با «زبان مادری» در ایران، لازم است توضیحاتی را درباره ی زبان مرور نماییم.

*دکترای
زبان شناسی
تاریخی و
تبیولوجی

زبان و انواع آن

برای زبان تعاریف مختلف و متعددی را بیان نموده‌اند. عده‌ای زبان را «عامل ارتباط میان دو شخص، و وسیله‌ای برای برطرف کردن نیازهای افراد جامعه، فهم و فهمانیدن و ...» دانسته‌اند. اما آن‌چه ما در این باب بدان معتقدیم، آن است که زبان با آفرینش انسان به وجود آمد و انسان توانست به وسیله‌ی آن، بسیاری از نیازهای خود را برطرف کند و به پیشرفت برسد. در تحقیقاتی که زبان‌شناسان چندین دهه‌ی پیش به عمل آوردند، شمار زبان‌هایی را که تمام مردم جهان به کار می‌برند تا هفت هزار نوع زبان برآورد کرده‌اند که تقریباً روزانه چندین زبان در حال از بین رفتن است. زبان‌شناسان معتقداند که زبان‌های رایج در جهان، اکثراً از تعدادی از زبان‌های مشخص که به آن «مادر» می‌گویند، انشعاب یافته‌اند و هر انشعاب در طول تاریخ خود دچار تغییر و تحول گردیده است. بیشتر زبان‌شناسان، به خصوص ساختارشناسان زبان، زبان‌های موجود در جهان را به سه دسته‌ی عمده تقسیم می‌کنند:

الف. زبان‌های تک‌هجایی monosyllabic Languages (همانند زبان‌های تبتی و چینی)

ب. زبان‌های تصریفی flexional languages (همانند زبان عربی)

ج. زبان‌های پیوندی agglutinating languages (همانند زبان‌های لاتین)

البته این تقسیم‌بندی‌ها از نظر گروهی از زبان‌شناسان کامل و دقیق نیست اما در جای خود قابل توجه می‌باشد. همچنین تقسیمات دیگری برای زبان قایل شدند که قابل قبول‌تر به این نوع تقسیم بوده که در ادامه ذکر می‌شود.

رده‌بندی زبان‌ها از نظر خانوادگی

با علمی شدن زبان و مطالعه زبان به شیوه‌ی نوین در کشورهای اروپایی و همچنین گسترش و ارتباط فرهنگی و زبانی بین کشورها و تألیف کتب مختلف در زمینه لغت، دانشمندان این علم متوجه اشتقاق بسیاری از لغات از زبان‌های دیگر گردیدند. به همین دلیل برای یافتن هرچه بیشتر این ارتباط‌ها مبادرت به تألیف و تنظیم فرهنگ‌های ریشه‌شناسی و تطبیقی و بررسی‌های تاریخی زبان‌ها نمودند. به همین جهت از قرن هجدهم میلادی، زبان‌شناسان شباهت‌های دستوری و ساختاری زبان‌ها را برای طبقه‌بندی زبان‌ها در پیش گرفتند که در اصطلاح «رده‌بندی از نظر خانوادگی یا خویشاوندی» خوانده می‌شوند. بدین ترتیب با بررسی‌های فراوان از نظر تاریخی یک یک زبان‌ها و همچنین قوانین دستوری و ساختاری و تطبیق با دیگر زبان‌های دنیا شناخته شدند، که کمک بسیاری در ریشه‌شناسی اکثر زبان‌ها و پیدایش «زبان‌های مادر و خانواده بزرگ زبانی» شد که می‌توان به خانواده‌های بزرگی چون: هند و اروپایی، اورالی یا فینو، آلتایی، اویغوری، سامی و حامی اشاره کرد که در ادامه بحث خواهد شد.

زبان ایرانی

بنا بر نظر بسیاری از زبان شناسان، زبان های ایرانی و فارسی و سایر گویش های مرتبط با آن، طبق تقسیم بندی و رده بندی زبان از نظر خانوادگی و خویشاوندی جزو زبان های بزرگ و مادر «هند و اروپایی» است که این زبان مادر، بزرگ ترین گروه خویشاوندی زبان های دنیا به حساب می آید و با گسترش جمعیت دنیا و در پی آن استعمار، فدراتیو شدن کشورها و... زبان مادری «هندواروپایی» نیز در کل جهان گسترش یافت. حال زبان مادر «هند و اروپایی» که زبان ایرانی منشعب از آن بوده، چیست و زادگاه و ریشه آن از کجاست؟

مورخان خاستگاه اولین تمدن در روی زمین را متعلق به قاره کهن و پهناور آسیا می دانند. روزگاران کهن در نواحی واقع در جنوب سرزمین روسیه امروزی و در دشت ها و استپ های جنوب سیبری، دریاچه آرال، شمال دریای خزر و قفقاز، اقوامی می زیستند که آنان را اجداد قوم ایرانی (آریایی ها) می دانستند. چنان چه از مدارک بر می آید مورخین جهان بیان داشته اند این اقوام تا اواخر هزاره سوم پیش از میلاد در این سرزمین ها می زیستند اما از آن زمان به بعد بنا به دلایل مختلفی چون سرما و یخبندان بی سابقه، قحطی، جنگ های پیاپی و... به ناچار مجبور به ترک سرزمین خود شدند و به سمت پایین دست ها مانند ایران مهاجرت نمودند. این اقوام پس از رسیدن به فلات گسترده ایران، از یکدیگر جدا شدند و به سه گروه عمده تقسیم گردیدند. گروهی به سمت هندوستان امروزی مهاجرت کردند، گروهی در گستره ایران خالی از سکنه ماندند و گروه سوم، سرزمین هایی را از جنوب هندوستان تا شمال اروپا به عنوان مسکن خود برگزیدند به همین دلیل این اقوام را «هند و اروپایی» نامیده اند. پراکندگی اولیه اقوام هند و اروپایی موجب پراکندگی و گوناگونی زبان در میان این قوم ها گردید.

معرفی زبان های هم ریشه هند و اروپایی

زبان های هم ریشه در زبان مادر «هند و اروپایی» از لحاظ ساختار و سازمان شبیه به هم هستند. همان طور که گفته شد؛ این زبان ها در آسیا، اروپا و تا حدودی آفریقا و آمریکا کاربرد دارد و تلفظ می شوند. به طور مثال؛ کلمه ی «مادر» را در زبان های هم ریشه و منشعب از زبان «هند و اروپایی» ببینید چگونه بیان می گردد.

همان طور که در نمودار زیر می بینیم تلفظ واژه ی مادر در بیشتر زبان های هند و اروپایی شبیه به هم بوده و اختلاف اندکی با هم دارند. با شروع پژوهش های زبان شناسی در اروپا، برخی از مشترکات زبان ها و ارتباط خویشاوندی آن ها مانند نمودار زیر، کشف گردید. از جمله «ولکانیوس» (vulcanius) متوجه تطابق بعضی از واژه ها در زبان های ایرانی و آلمانی گردید. و همچنین «ساسیتی» (sassetti) متوجه مشابهت بعضی کلمات هندی و ایتالیایی شد. در نتیجه در قرن ۱۸ «ویلیام جونز» (w. jones) از مشابهتی که بین زبان های سانسکریت و یونانی و لاتینی بود، متوجه شد که باید این زبان ها یک نوع رابطه



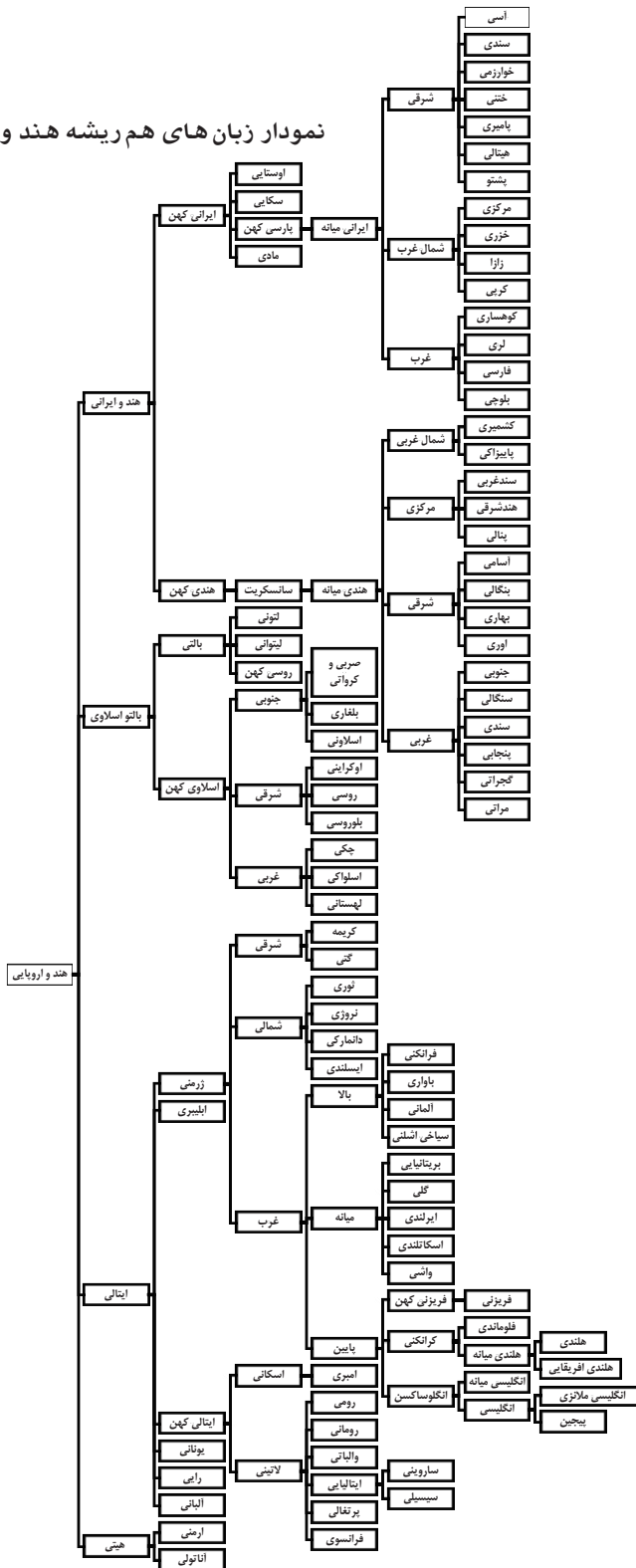
خویشاوندی با هم داشته باشند. وی به مسایلی چون مشابهت ساختمان اصلی بعضی از کلمات و اشتراک ریشه‌ای لغات و کلمات اصلی اشاره نمود. او اعلام کرد احتمالاً همگی از زبان سانسکریت مشتق شده‌اند. در قرن ۱۹ «بوپ» (BOPP) هم خانواده بودن زبان‌های فارسی باستان، سانسکریت، یونانی قدیم و لاتین را تأیید نمود. دانشمندان در تحقیقات بعدی و دنباله‌دار خود به وجود یک زبان اصلی «مادر» پی بردند که بعدها این زبان را «آریایی» یا «هند و اروپایی» نامیدند.

۱- **هند و ایرانی:** این زبان که از مهمترین زبان‌های خانواده هند و اروپایی است، خود دارای دو شاخه‌ی مهم «هند» و «ایرانی» است. اسناد کهنی در دست است که به زبان هندی باستان نوشته شده که نمونه بارز آن «ودا» است که به زبان سنسکریت است، زبان‌شناسان این نوشته‌های زبان را مربوط به قرن دهم قبل از میلاد می‌دانند. این «سرودهای ودا» در لغت به معنای «زبان فصیح» است که در مقابل آن واژه‌ی «پراکریت» به معنی؛ زبان عامیانه است. کهن‌ترین کتاب جهان درباره صرف و نحو در قرن چهاردهم قبل از میلاد توسط «پانی‌نی» برای زبان سنسکریت تدوین شد. همچنین قدیم‌ترین شاخه‌های زبان ایرانی که از آن اسناد و مدارکی در دست است، عبارت است از: زبان فارسی باستان و زبان اوستایی (زبان کتاب مقدس زرتشتیان)

در ادامه نمودار زبان‌های خویشاوندی و مادر «هندواروپایی» و گستره کاربردش در جهان ترسیم گردیده است که نشان دهنده اهمیت این خانواده از زبان بزرگ مادری و خویشاوندی است.

دوره‌های تاریخی تحول زبان‌های ایرانی

نمودار زبان های هم ریشه هند و اروپایی



زبانها ماهیت متغیر دارند یعنی؛ به مرور زمان دچار تغییر و تحول می شوند. حال این تغییرات به صورت آنی و به سرعت نیست بلکه در طول زمان رخ می دهد. زبان هر ملت و قومی دارای مراحل و دوره هایی است که تغییرات آن قابل تمیز با دوره های بعد است. زبان فارسی نیز از این تغییرات مصون نبوده است، چنان که با مطالعه و بررسی تاریخ زبان کشورمان می توانیم دوره های تغییر و تحول زبان را پی گیری و از هم جدا نماییم. با توجه به ویژگی ها و خصوصیات زبان فارسی و مدارکی که از گذشته های دور تاکنون در دست است، می توانی تحولات تاریخی زبان فارسی را به سه دوره مهم زیر تقسیم نمود:

۱- دوره باستان ۲- دوره میانه ۳- دوره جدید

به عبارتی می توان گفت «زبان فارسی» یکی از صورت های زبان های ایرانی است که قدیمی ترین صورت بازمانده آن تا فارسی دری، سه دوره تحول؛ باستان، میانه و جدید را پشت سر گذاشته است.

زبان فارسی کنونی دنباله طبیعی زبان «دوره میانه» است و خود زبان دوره میانه، شکل تحول یافته زبان فارسی باستان می باشد.

زبان های دوره باستان ایرانی

در این دوره که از ابتدای پیدایش تاریخ و تمدن در ایران است، زبان ها و خطوط متعددی به کار می رفت، مثل زبان اقوام سغد، پارت، هرات، بلخ و خوارزم که در کتیبه بیستون داریوش بدان ها اشاره شده است. مدارک و اسناد چندانی در خصوص زبان های باستان وجود ندارد، بلکه تنها مدارک موجود ذکری است که مورخان متقدم در این باب نموده و یا نمونه هایی که از صورت میانه این زبان ها باقی مانده است. امروزه زبان های دوره باستان دیگر به کار نمی روند و تنها در مطالعات تاریخی از آنها استفاده می شود. لذا به آنها زبان های «مرده» یا «خاموش» می گویند.

از میان زبان های باستانی که از کتاب ها و گزارش های مورخان به دست ما رسیده، تنها چهار نوع آن؛ مادی، اوستایی، فارسی باستان و سکایی باقی مانده است. البته از زبان های مادی و سکایی اثر مستقلى در دست نمی باشد و تنها لغات معدودی در کتاب ها و کتیبه های مختلف ذکر شده، ولی از دو زبان دیگر به خصوص، فارسی باستان، آثار قابل توجهی بر جای مانده که در شناخت و چگونگی تحول این زبان ها ما را یاری می نمایند که شرح آن در این گفتار نمی گنجد و فقط در همین اندازه اکتفا می کنیم.

۱- زبان های دوره میانه ایرانی

زبان های میانه به زبان هایی اطلاق می گردد که در حد فاصل بین زبان های باستان تا زبان های جدید (ورود اسلام به ایران) رایج بوده اند، یعنی از سال ۳۰۰ الی ۲۵۰ قبل از میلاد و تا حدوداً ۶۵۰ میلادی. اما به غیر از عوامل زمان، عوامل دیگری برای تشخیص زبان های میانه، وجود دارند، و آن عوامل عبارتند از: ساده تر بودن نسبت به صورت

باستانی آن و نیز تغییر و تحول آشکار در سیستم و نظام زبانی قدیم. زبان شناسان بر اساس تعاریف بالا تأسیس سلسله اشکانی (۲۵۰ ق.م) را آغاز دوره ی زبان های میانه می دانند و این دوره تا پایان فرمانروایی سلسله ساسانیان (۶۵۱م)، حمله اعراب و ورود اسلام به ایران ادامه می یابد (یعنی زمانی بالغ بر هزارسال) با انقراض سلسله هخامنشیان در سال ۳۳۰ (ق.م) و به حکومت رسیدن سلسله اشکانیان یعنی (۲۵۰ ق.م)، فاصله ای یک صد ساله میان این دو سلسله وجود دارد که از نظر زبان شناسی بسیار مهم است و به «سال های تاریک» مشهور است. زبان های متعددی در دوره میانه در ایران گویش می شد، از میان این زبان ها، آثار و اسناد مکتوبی از زبان های «سغدی»، «سکایی»، «پهلوی اشکانی»، «پهلوی ساسانی»، «بلخی» و «خوارزمی» بر جای مانده است. این زبان ها بر اساس مختصات، ویژگی های ساختاری و موقعیت جغرافیایی شان به دو گروه عمده تقسیم می شوند:

الف: «زبان های ایرانی میانه شرقی» ب: «زبان های ایرانی میانه غربی»

زبان فارسی میانه

اما زبان مهم این دوره؛ «فارسی میانه»، زبان متعلق به ایالت پارس، است. همان طور که قبلا یادآور شد؛ این زبان را نیز با نام هایی چون «پارسیک» و «پهلوی ساسانی» می خوانند. زبان فارسی میانه در دوره ساسانیان (۲۲۴ تا ۶۵۱ میلادی)، زبان غالب و رسمی ایران زمین بوده است. این زبان بر اثر عوامل سیاسی، اجتماعی و... در طی دو قرن، دچار دگرگونی و تحول شده و به زبان فارسی جدید بدل گردید. آثار و اسناد فراوانی به زبان «فارسی میانه» وجود دارند که در بررسی های تاریخ زبان فارسی اهمیت خاص دارند، چراکه این متون در طول قرون اولیه هجری به رشته تحریر درآمده اند.

زبان های ایرانی دوره ی جدید

زبان های ایرانی دوره جدید از لحاظ زبان شناسی اهمیت فراوان دارد، زیرا این دوره را می توان دوره ی «زنده ی زبان» نام نهاد، چرا که علاوه بر صورت تلفظی زبان، گونه ی کتابی آن نیز موجود می باشد. زمان آغاز این دوره از لحاظ تاریخی با هجوم اعراب و ورود اسلام به ایران در دهه ی سوم هجری آغاز می شود و تا زمان حاضر ادامه می یابد. زبان این دوره به جهت ساختاری، ادامه ی زبان «دوره میانه» است و همان طور که بیان شد، این زبان هم دنباله «زبان باستان» در ایران است. در این جا سعی نموده ایم تا مهم ترین زبان های موجود و بازمانده فارسی جدید را ذکر نماییم. جا دارد قبل از ذکر این زبان ها اشاره داشت، گروهی از زبان شناسان، این زبان ها را به خودی خود، زبان مستقل نمی دانند بلکه آن را گویشی از زبان اصلی فارسی دانسته اند. ولی آن چه مسلم است، همگی این زبان ها از یک خانواده بوده و قرابت میان آن ها زیاد می باشد. زبان های دوره ی جدید شامل:

۱- زبان آسی: این زبان اکنون در منطقه قفقاز تکلم می شود.

۲- زبان ارموری: در مناطقی از جنوب افغانستان و شمال پاکستان درحال گویش است.

۳- زبان های ایالت پارس (فارس): این زبان ها علاوه بر زبانی است که هم اکنون در شهرهای بزرگ منطقه فارس چون، شیراز، کازرون، بوشهر و... کاربرد دارد. این زبان ها هم اکنون در روستاها و شهرهای کوچک فارس متداول است و به نوعی این زبان ها با نام محل خود نامیده می شوند. مثل: پاپونی (پاپی)، سیوندی، بورینگونی، لاری، ماسرمی و...

۴- زبان بلوچی: این زبان در منطقه بلوچستان ایران، پاکستان و افغانستان تکلم می شود. با توجه به ویژگی های ساختاری، این زبان به زبان های شمال غربی ایران (پارتی) مربوط و منتسب می شود.

۵- زبان های پامیری: این زبان ها که در نواحی کوهستانی پامیر امروزی واقع در تاجیکستان و نیز قسمتی از افغانستان و چین گویش می شود. مهم ترین انشعابات زبان پامیری شامل: برتنگی، روشانی، یزغولامی، وخانی، شغنایی، سریکلی و اشکاشمی هستند.

۶- زبان پراچی: این زبان در شمال کابل افغانستان گفتگو می شود.

۷- زبان پشتو: در منطقه وسیعی از افغانستان و شمال پاکستان این زبان گویش می شود.

۸- زبان تاتی: این زبان از زبان های پارسی است که هم اکنون در مناطقی از آذربایجان ایران، جمهوری آذربایجان و داغستان شوروی سابق گویش می شود.

۹- زبان فارسی تاجیکی: زبان تاجیکی همان فارسی دری می باشد که در واژگان و در ادای بعضی از واک ها (واج ها) دچار تغییرات گردیده است. فارسی تاجیکی زبان مردم کشور تاجیکستان - جمهوری استقلال یافته از شوروی سابق- است که این زبان همچنین علاوه بر تاجیکستان، در قسمت هایی از ازبکستان، قرقیزستان و قزاقستان هم گویش می شود. شمار افرادی که اکنون به این زبان سخن می گویند، فراتر از پانزده میلیون نفر است.

۱۰- زبان تالشی: این زبان در جنوب غربی دریای خزر متداول است و همچنین در منطقه قفقاز نیز عده ای به این زبان گویش می کنند.

۱۱- زبان زازا: در مناطق سیورک، گر، گورانی، کندوله، پاوه، اورامان این زبان رواج دارد.

۱۲- زبان تبری (طبری): این زبان در منطقه تبرستان (مازندران، گلستان، حدودی از گیلان) متداول است. زبان طبری که از زبان های ایرانی دوره جدید می باشد، دارای مکتوباتی فراوان می باشد و گروه مهمی از آن نیز از بین رفته است. درحال حاضر چند میلیون نفر به این زبان گویش می کنند. زبان تبری را با زبان گیلکی از یک گروه شمرده اند و به این دو زبان، «گویش حاشیه خزر» نیز می گویند.

۱۳- زبان کردی: این زبان یکی از بزرگ ترین زبان های فارسی جدید است و در مناطق وسیعی از کردستان ایران، عراق، ترکیه و سوریه گویش می شود. گروهی از کردهای شمال خراسان (کرمانج)، نیز از این خانواده می باشند. از زبان کردی ادبیات فراوانی

از گذشته به جای مانده است. این زبان از منابع تولید کننده ادبیات فارسی حال حاضر می باشد.

۱۴- **زبان کومزاری:** این زبان در مناطقی در جنوب خلیج فارس (روبروی بندرعباس) جزایری چون ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک و غیره و شمال شبه جزیره عربستان به کار می رود.

۱۵- **زبان گیلکی:** در مناطقی چون ماسوله، منجیل، رشت، انزلی و... بدین زبان گفتگو می کنند.

۱۶- **زبان لری و بختیاری:** از زبان های نوین پارسی امروزی، است که در برخی از استان های غربی چون؛ چهارمحال بختیاری، لرستان و خوزستان بدان گویش می نمایند.

۱۷- **زبان مונجانی:** منطقه ای وسیع از شمال شرقی افغانستان و مناطق هم مرز چین با این زبان گفت و گو می نمایند.

۱۸- **زبان های مرکزی فلات ایران:** مردم بسیاری از شهرهای کوچک و روستاهای نواحی مرکز ایران و کویر بزرگ فلات ایران با زبان ها و گویش های مختلفی مکالمه می کنند. افرادی که این زبان ها را صحبت می کنند زیاد نمی باشند، اما از لحاظ زبان شناسی و ساختارشناسی هرچند این زبان ها به جهت جغرافیایی به هم نزدیک اند، ولی با هم دیگر فرق دارند. و این زبان ها خود نیز می توانند به عنوان موضوعات مختلف گونه شناسی زبان، مورد بررسی قرار گیرند. از مهم ترین این زبان ها می توان به موارد ذیل اشاره داشت:

الف: گویش انارکی: مرکز ایران در نائین و نواحی شمال آن (منطقه انارک) گویش می شود.
ب: گویش های سمنانی: این زبان ها با نام های دیگری چون: سرخه ای، سنگسری، شهمیرزادی و لاسگردی نیز خوانده می شوند.

پ: گویش های بین اصفهان و کاشان: این گویش ها که در محدوده بین کاشان و اصفهان امروزی صحبت می شود، بیشتر به اسم محل خود نام گرفته اند. از جمله ی این گویش ها: جوشقان، خوانسار، محلات، لیمه، و نیشون، زفره، کشه و... را می توان نام برد.

ت: گویش نائینی: در مناطقی بین اصفهان و یزد و نائین امروزی کاربرد دارد.

ث: گویش یزدی: در میان زرتشتیان کرمان و یزد این نوع گویش رایج است.

ج: گویش نطنزی: در منطقه ای در شمال غربی نائین این گویش رواج دارد که به نام هایی چون: یارندی، فریزندی و نطنزی نیز نامیده می شوند.

چ: گویش خوری: در جنوب دشت کویر در منطقه «خور و بیابانک» این گویش رواج دارد.

۱۹- **زبان یغناپی:** این زبان تداوم زبان سغدی است و در ناحیه درّه «یغناپ» تاجیکستان امروزی رواج دارد.

۲۰- **زبان فارسی جدید:** از میان زبان هایی که تاکنون درباره ی آن ها صحبت شد، تنها زبانی که در دوره جدید به عنوان زبان علمی، سیاسی، اداری و رسمی این دوره می باشد و زبان رسمی کشور ایران به حساب می آید «زبان فارسی جدید» است. این

زبان ادامه و دنباله‌ی زبان فارسی میانه و پهلوی است و زبان فارسی پهلوی، دنباله‌ی زبان «فارسی باستان» است. پس به نوعی زبان فارسی جدید، صورت جدید و تحول یافته زبان «فارسی باستان» است، زبان فارسی جدید بیشتر با صفت، به صورت «فارسی دری»^۱ و گاه نیز بدون صفت، به صورت «فارسی» خوانده می‌شود.

همزمان با تسلط اعراب بر ایرانیان، اولین دولت‌هایی که زبان فارسی دری را به عنوان زبان رسمی ایران، اعلام نمودند، حکومت‌های نیمه مستقل صفاریان در شرق، و سامانیان در شمال شرق ایران بودند که زبان فارسی را به عنوان زبان اداری و حکومتی ایران اعلام نمودند و بعد از آن حکومت بود که این زبان با رواج در سایر نقاط ایران، چون از دربار شاهان بود، به زبان فارسی دری مشهور گردید.

پس از دوره‌ی صفاریان و سامانیان سیاست ترویج زبان فارسی توسط حکومت ترکان سلجوقی و غزنوی بر ایران، باعث شد کلمات دیگری به غیر از عربی، چون واژه‌های ترکی وارد زبان فارسی شود که تا امروز این واژه‌ها همچون واژه‌های عربی بر زبان فارسی سنگینی می‌کنند. از قراین بسیار پیداست که زبان عربی در ایران، بیشتر در دستگاه اداری و توسط عمال حکومتی استفاده می‌شد، و در ادبیات سرزمین ایران نیز برای تصنع به کار گرفته می‌شد.

در دوره فرمانروایی سلجوقیان و خوارزمشاهیان کم‌کم زبان عربی دیگر رواج گذشته را از دست داده، و در دستگاه‌های دولتی از رواج افتاد. شاهان این دو سلسله با زبان فارسی گویش می‌کردند و از زبان عربی اطلاع چندانی نداشتند.

بعد از خوارزمشاهیان و حمله وحشیانه مغول به ایران و استیلای آنان بر کشورمان نیز، فرزندان حاکمان مغول در مکاتبات خود از زبان فارسی استفاده می‌نمودند. و در دوره‌ی تیمور و جانشینانش و همچنین خان‌های بخارا در آسیای میانه و همچنین در عهد صفویان، زبان فارسی دری همچنان زبان مکاتبات دولتی و اداری آن نواحی بوده است. حتی تا قرن گذشته در بخش‌هایی از هندوستان مثل «حیدرآباد» در بسیاری از مکاتبات رسمی زبان فارسی کاربرد داشته است. بدین صورت زبان فارسی دری نه تنها در کشور ایران و بخش‌هایی از آسیای میانه، بلکه در میان بسیاری از اقوام شرق نزدیک و میانه، و در مناطقی مانند: هند، آسیای صغیر، افغانستان و آذربایجان، زبان ادبی و رسمی به شمار می‌رفت و زبانی که در نخستین بار در نواحی ماوراءالنهر، بلخ، هرات، بخارا و طوس به عنوان زبان ادبی مطرح شد، رفته رفته به غرب و مرکز ایران نیز راه یافت.

زبان فارسی دری در طی هزار و چند صد سال دوام خود، به عنوان زبان ادبی و رسمی، یکنواختی خود را از دست نداده و تنها اختلاف زبان فارسی کنونی با شکل یک سده‌ی آن، این است که در بعضی از موارد لغات و واژه‌های محلی و دخیل در آن راه یافته است. لازم به ذکر است که این اختلافات هیچ‌گاه از لحاظ صرفی و نحوی کلی نبوده

۱ - مقدسی در این خصوص در احسن التقاسم ص ۳۲۵ چاپ لیدن در ذکر زبان مردم بخارا می‌نویسد: زیانشان دری است، زیرا آن زبانی است که به آن نامه‌های شاه را می‌نویسند و با آن عریضه به شاه می‌فرستند و اشتقاق آن از «در» که باب (درگاه) باشد.

است، چنان‌که آثار بزرگان شعر و نثر زبان فارسی در طی این چند قرن، این نکته را اثبات می‌نماید. و یکی از موارد اختلاف، بحث اختلاف لهجه‌ای است و این خود نتیجه تأثیر زبان محلی دوره میانه در زبان فارسی است. ولی از تمام این مطالب، چنان استنباط می‌شود که زبان فارسی به عنوان یکی از زبان‌های بزرگ علمی، فرهنگی و هنری دنیا به حساب آمده و شناخته شده است. و همچنین گویش‌ها و زبان‌های یاد شده، فرزندان «زبان بزرگ و مادر فارسی» می‌باشند.

منابع :

- ۱- ابن ندیم، الفهرست، چاپ مصر، ۱۳۴۸ هـ. ق.
- ۲- اورانسکی ای.ام، مقدمه فقه اللغة ایرانی، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات پیام تهران، ۱۳۵۸.
- ۳- مقربی مصطفی، ترکیب در زبان فارسی، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۲.
- ۴- نائل خانلری پرویز، تاریخ زبان فارسی، سه جلدی، چاپ بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰.
- ۵- نائل خانلری پرویز، دستور تاریخی زبان فارسی، به کوشش خانم دکتر غفقت مستشارنیا، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۲.
- ۶- یاقری مهری، تاریخ زبان فارسی، چاپ سازنگ، انتشارات قطره، تهران، ۱۳۷۸.
- ۷- دارخسالی مهدی، تاریخ زبان فارسی، انتشارات ویحانی، گرگان، ۱۳۹۴.